

«سرکوب، زندان، جنایت: توهم، خیانت یا کارگزاری سرمایه داری؟» (قسمت اول بخش یک)

بررسی عمل کرد و دیدگاه‌های جریان‌ها، سازمانها و تشکل‌های چپ و یا به ظاهر چپ، که بعد از قیام ۵۷ دچار نوسانات و انشاقات مختلف گردیدند، یکی از دل‌مشغولی‌هایی بود که ما در زندان هم با آن دست به‌گریبان بودیم. رفقای جانفشانی چون همایون آزادی، محمد علی بهکیش، سیامک الماسیان، عباس رئیسی، وازگن منصوریان، محسن رجب‌زاده و رفقای عزیزی مثل، مسعود - طاعتی زاده، د - ز، م - م، مهدی دائی، احمد موسوی و... در این خصوص و مسائل دیگر مدت‌ها با همدیگر بحث و تبادل نظر می‌کردیم.

به عنوان یکی از همکاران گفتگوهای زندان، کمبود و کاستی‌ها برای مستندسازی روش‌های سرکوب رژیم جمهوری اسلامی در سال‌های نخست به قدرت رسیدنش همواره آشکار بوده است. بخش بسیار مهمی از این دوره، روشن ساختن تاثیر فاجعه بار همکاری نیروهای دنباله‌روی حکومت اسلامی برعلیه نیروهای پیشرو، چپ و کمونیست بود. دستگیری نیروهای لیبرال موسوم به ملی-مذهبی در مشروعیت بخشیدن به رژیم جمهوری اسلامی، حملات و تبلیغات حزب توده و اکثریت برعلیه نیروهای چپ، کمونیست و انقلابی، دو محور حمله گزانبی‌ری رژیم اسلامی برای نابودی دستاوردهای دمکراتیک قیام بهمن ۱۳۵۷ بود. بدون چنین دستیارانی، اسلامگرایان در قدرت، نمی‌توانستند به این سرعت و خشونت، هزاران هزار زن، مرد، پیر و جوان را به زندانها و شکنجه‌گاه‌ها بیاورند، دسته‌دسته آنان را به جوخه اعدام بسپارند و اندیشه‌های رهاییبخش گسترش یافته در روند انقلابی ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ را در سطح جامعه به «اندیشه‌های ممنوعه» تبدیل سازند.

باری، بعد از زندان و نیز خروج از ایران شاید یکی از مهمترین دل مشغولی های من همین مسایل بود. خوشبختانه عزیزانی از داخل ایران، به ویژه بخش قابل توجهی از دانشجویان و جوانان مبارز خواهان باز بینی این اسناد و مدارک به صورت فشرده آن هستند و متأسفانه دسترسی به اسناد و مدارک سالهای نخست پس از قیام برای آنها اگر نگوئیم ناممکن ولی تا حدودی مشکل است. به همین خاطر علاقمند شدم به این مهم پردازم. از جمله بررسی عمل کرد سازمان فدائیان اکثریت (که امروزه عده ای به خاطر کهولت سن و آلزایمر و جمع دیگری به خاطر منافع طبقاتی سعی در استتار گذشته و یا کم اهمیت جلوه دادن و کوتاه مدت بودن آن دارند) را که آنها نیز تقاضا باز خوانی آن دوران را داشتند. بنابراین و نظر به شرایط روز جامعه ایران، همچنین روند رشد روز افزون خواسته های مردم و تلاش و تقلای افراد و جریاناتی که مستقیم و غیرمستقیم در جنایات رژیم جمهوری اسلامی دخیل بوده و امروزه تلاش دارند بر موج نارضایتی مردم سوار شده تا بتوانند کنترل حرکات خودجوش مردم را به دست گیرند بدیهی است نسل قیام ۵۷ چهره تک تک این جماعت را خوب می شناسند و در افشای آنها تلاش خواهند کرد تا جابجائی مهره ها و همچنین تاریخ مصرفشان را در سیستم طبقاتی حاکم (نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی) نشان دهند و با مقایسه مشخص سازند که چگونه امروز کاریکاتورهای هادی غفاری، حاج بخشی، زهرا خانم، عباس فالانژ و..... در خیابانهای ایران با عنوان بسیجی و لباس شخصی رژه می روند و با چماق بر فرق مردم می کوبند و با کلت سینه ها را می درند درست مثل سالهای ۵۷ تا ۶۰ هادی غفاری، موسوی تبریزی، مجید انصاری، موسوی اردبیلی و..... که این گرگها امروز لباس میش پوشیده و خود را در قالب اپوزیسیون جا می زنند، کاریکاتور موسوی دهه ۶۰ با طرح و برنامه های متنوع در قالب رئیس جمهورفعلی (احمدی نژاد) که بر طبل جنگ و سرکوب می کوبد و موسوی ای که تلاش می کند به ریشه سابق جمهوری اسلامی برگردد انگار بهشت برین

جنایت با مرگ خمینی به گور سپرده شده و او تلاش دارد جامعه را به آن «دوران طلائی!!!» برگرداند. اینان فکر می کنند با عبای شکلاتی خاتمی و عمامه سفید کروی به این مهم نائل خواهند آمد و عده ای فرصت طلب و نان به نرخ روز خور بازهم مثل چند سال اول قیام ۵۷ برای آنها سینه می درانند غافل از این که این جماعت می توانند قباى اصلاحات را در برکنند و بر اریکه قدرت بازگردند ولی باز هم مثل امروز تمام فجایع دهه های گذشته در شکل و شمایلی نه چندان تازه در انتظار مردم ایران خواهد بود.

امروز نیروهای جوان جامعه برای ارتقای آگاهی خود تلاش می کنند. از این رو با در نظر گرفتن پتانسیل بالای این عزیزان برای آگاهی و خود آگاهی از تاریخ مبارزات مردم ایران، به ویژه وقایع دهه ۵۰ (قبل و بعد از قیام ۵۷) و سالهای ابتدائی دهه ۶۰ من به عنوان یکی از زندانیان سیاسی دهه ۶۰ که شرایط قبل و بعد از قیام را تجربه کرده و از نزدیک دستی بر آتش داشته ام برای روشن شدن گوشه هائی از تاریخ مردم ستمدیده و زحمتکش ایران و نقش فراموش نشدنی جریان اکثریت در سرکوب، دستگیری، شکنجه و اعدام نیرو های مبارز و انقلابی با استناد به گفتار، نوشتار و کردارخودشان اقدام نمودم تا این نقش فراموش تاشدنی را روشن تر نمایم. بدیهی است جریاناتی مثل حزب توده و اکثریت که ماهیت بورژوائی آنان عیان بوده و هست بر اساس منافع طبقاتی که به آن وابسته اند عمل نمودند و امروزه هم بر خلاف ادعاها و شعارهائی که توسط برخی از عناصر این دو جریان داده می شود، در بر همان پاشنه سابق خود می گردد و با تمام تلاشی که دارند نمی توانند ماهیت خود را پنهان نمایند. کسانی که برای امام ضدامپریالیستشان گریبان می دریدند و در دفاع از کیان اسلام گوی سبقت را از خمینی ربوده بودند، امروزه روز هم مثل دیروز برای قاتلین بهترین فرزندان ایران سینه سپر می کنند و سبزی پیراهن سیادتشان از میرحسین موسوی لجنی تر است. از این رو برای ثبت در تاریخ لازم است

بدون هیچ دخل و تصرفی نقل قول ها را از اسناد خود این جماعت آورد و قضاوت را به عهده خواننده نهاد. مواضعی که مثل پاندول ساعت در نوسان بود و امروز نیز هست، ارثیه ابدی اکثریت است. این نوشتار یا اسناد در چندین قسمت مختلف با عناوین خواص خود ارائه خواهد شد مثل ، اکثریت و حاکمیت جمهوری اسلامی، اکثریت و سپاه پاسداران، اکثریت و حزب توده، اکثریت و کردستان، اکثریت و انشعابات. که در این مرحله اکثریت و حاکمیت مد نظر است و در آیندهای نه چندان دور قسمت های ذکر شده بالا هم ارائه خواهد شد.

* برای تهیه این مجموعه از نشریات موجود در سایت آرشیو اسناد اپوزسیون ایران استفاده شده است

محمود خلیلی

اکثریت و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

از اولین شماره نشریه بعد از انشعاب اکثریت از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران آغاز می کنیم یعنی نشریه شما ۶۱ در این شماره مواضع اکثریت نسبت به سپاه پاسداران، بسیجی ها و لباس شخصی ها را می بینیم و تقاضای حقه بازانه اکثریت برای جلو گیری از هر گونه اعتراض و اعتصاب جنبش دانشجویی و در اصل چراغ سبز نشان دادن به حاکمیت با نشان دادن خط و مشی خود البته بقیه بریده نشریات با شماره و تاریخ در ذیل آورده خواهد شد

ظاهراً" تحت پوشش برخورد با حزب الهی ها مطلبی نگاشته شده ولی در اصل مقاومت و پایداری دانشجویان در برابر تعطیلی دانشگاهها را نه تنها نفی می کنند بلکه آن را در راستای منافع امپریالیسم و عجولانه می دانند.

از سوی دیگر امکان دارد اقدامات عجولانه‌ای با هدف پاسداری از آزادی فعالیت‌های صنعتی و سیاسی دانشجویی صورت گیرد. ما به همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست صراحتاً تأکید و توصیه می‌کنیم که از هرگونه اقدام عجولانه خودداری کنند.

ما تأکید می‌کنیم که اقدام به تحصن، اعتصاب و درگیری پیرامون تعطیل دانشگاه‌ها را در شرایط کنونی به سود جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران نمی‌دانیم و مصراً از همه نیروها و هواداران خود می‌خواهیم که ضمن مخالفت با چنین اقدامات و حرکتی از شرکت در آن جدا خودداری ورزند.

مردم ما فراموش نمی‌کنند که چگونه هیئت حاکمه و صدا و سیما جمهوری اسلامی و به ویژه روزنامه جمهوری اسلامی دستجات معروف به "حزب الله" را که ماهیت صد مردمی‌شان دیگر بر کسی پوشیده نیست "مردم" می‌خواندند و از هیچ‌گونه حمایت از آنان کوتاهی نمی‌کردند.

در پوشش توضیح یک اعدام توسط رژیم و با توپ و تشر و ژست حمله به چماقداران و جنایت کار خواندن رژیم موزیانه نیروهای مقاوم و مبارز را ماجراجو انقلابی نما می‌خواند.

اعدام فدائی خلق رفیق فرامرز حمید، لکه ننگی بر دامن رژیم جمهوری اسلامی است

ضد امپریالیست است که می‌تواند جلوی تکرار فاجعه را بگیرد. در این میان رفقای هوادار سازمان موظفند که: الف - به افشای پیگیری اینگونه اعمال جنایتکارانه بپردازند و ماهیت جریانهائی را که چنین دست به کشتار انقلابیون و مبارزین می‌زنند، به توده‌ها بشناسانند. رفقای ما باید با حفظ هوشیاری انقلابی ارتباط این رشته اعمال را در رابطه با منافع طبقه سرمایه‌دار وابسته ایران و امپریالیسم جهانی به توده‌ها بنمایانند و مجریان این اعمال را افشا و رسوا سازند.

ب - باید با حفظ خونردی انقلابی خط و مرز روشنی بین خود و دیگر نیروهای ماجراجو و انقلابی‌نما که با ایجاد تشنج بیهوده و بی‌هدف سعی در دامن زدن به تضادهای فرعی و ثانوی کردن جو دمکراتیک شهر دارند، بکشند و با برخوردی مسئولانه و انقلابی از هرگونه همکاری با این نیروها اجتناب نمایند.

پ - هواداران سازمان باید شعار "دادگاه علنی دستگیرشدگان وقایع دانشگاه و خیابان تختی" را به میان بکشند و با افشای محاکمه سری انقلابیون که بدون کوچکترین مدرک و دلیلی به جوخه‌های اعدام سپرده می‌شوند و نیز با افشای گردانندگان دادگاه‌های انقلاب اسلامی و صادر کنندگان این احکام که ماهیت و سابقه‌شان چندان روشن و آشکار نیست، به وظائف انقلابی خویش جامعه عمل ببوشانند!

شکوفان باد خون سرخ شهدای خلق
مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرگردانی امپریالیسم آمریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
شاخه گیلان - ۲۳ تیر ۵۹

زحمتکشان ایران، مردم آزاده گیلان! با تعداد دوشنبه ۲۴ تیرماه ۵۹ فدائی، خلق رفیق فرامرز حمید دانشجوی انقلابی، طبق احکم دادگاه انقلاب اسلامی شهر رشت به جوخه اعدام سپرده شد. رژیم جمهوری اسلامی طی ۱۷ ماه اخیر در زیر پوشش سازش با ضدانقلاب دهها رفیق فدائی و مدافعین آرمان طبقه کارگر را به جرم آنکه زندگی خویش را وقف آگاهی و بهبودی و بهروزی زحمتکشان ایران کرده بودند، به جوخه‌های آتش سپرده است. این اعدام‌های جنایتکارانه ضربات بی‌شماری به انقلاب شکوهمند خلق‌های ایران وارد آورده است. این جنایات نفرت تمامی مردمی را که قلبشان برای ایرانی آزاد و دمکراتیک می‌تپد، برانگیخته است. جلادانی که حکم اعدام فدائیان خلق فرامرز حمید در رشت، دکتر نویسی‌سا در اهواز، فرشته گل‌منبریان و ... در سنندج و رفقاً: شوشتری و بنوجیری در اهواز را صادر کرده‌اند، هرگز نخواهند توانست از خشم عادلانه خلق کبیر ایران بگریزند. دستگیری مبارزان و هجوم به خانه‌های انقلابیون، بسج دسته‌های چاقودار و مزدور، برچیدن دکمه‌ها در لاهیجان و ... در شرایط فقر و فلاکت، گرانی و بدبختی توده‌های زحمتکش ما، عملاً سیاست ارتجاعی‌ای را پیش می‌برند که بیش از پیش به حیثیت انقلاب خلق ضربه می‌زند. هم اکنون تعدادی دیگر از مبارزین دستگیر شده در جریان وقایع دانشگاه و خیابان تختی طبق اخبار رسیده در خطر اعدام فرار دارند و زرمه‌هایی‌شان در مورد اعدام این مبارزین پیش از اعدام ناچوانبردانه فدائی خلق رفیق فرامرز حمید به گوش می‌رسد. تنها هوشیاری و پایداری شما مردم مبارز به همراهی دیگر انقلابیون و نیروهای توده‌خواه و

بدون شرح:



حمایت مردم کافی نیست. روی کار آمدن نخست‌وزیر و کابینه‌ای انحصار طلب، قشری و تنگ‌نظر قطعا زمینه‌ساز سرکوب و هرج و مرج و تشدید نابسامانی‌های زندگی مردم میهنمان خواهد شد و این کابینه‌ای است که بطور قطع هیچ آینده‌ای نخواهد داشت و نیز ممکن است کشمکش بر سر انتخاب نخست‌وزیر و ترکیب کابینه ادامه یابد که این شکارترین نشانه بحران سیاسی عمیقی است که جمهوری اسلامی ایران گرفتار آن است.

می‌بینیم که تشدید بحران اقتصادی و بحران سیاسی توأم با سردرگمی حکومت و تشدید نارضایتی مردم از حکومت زمینه شکل‌گیری جریان‌های ضد انقلابی و وابسته به امپریالیسم و توطئه‌چینی آنها را بیش از هر زمان دیگر فراهم آورده است.



زمینه سازی جهت توجیه نزدیکی به سپاه و همکاری و همیاری با آن و تشویق و ترغیب کارگران برای تولید بیشتر

فقط کسی از اتحاد موقتی، ولو با اشخاص نامطمئن می‌ترسد که به خودش اعتماد نداشته باشد" همیشه آنکس از اتحاد در عمل با نیروهای دیگر و دوستان نیمه‌راه می‌ترسد که نه به خود و نه به سیاست خود ایمان ندارد! پرولتاریا هیچ ابائی به خود راه نمی‌دهد که همدوش پاسداران امروز علیه مزدوران مسلح پالیزیان و بختیار در کردستان و کرمانشاهان بجنگد و با اطمینان به خود، هر جا که پاسداران علیه فتوآل‌ها و خوانین و محافل امپریالیسم مبارزه می‌کنند، همدوش و همراه آنان به نبرد برخیزد، تفنگ به دوش بگیرد و فتوآل‌ها و خوانین را سرکوب کند.

پرولتاریا هیچ وقت نمی‌هراسد از اینکه با افزایش تولید با محاصره اقتصادی و کارشکنی امپریالیسم و متحدان آن در تولید به مقابله برخیزد.

آیا با شنیدن این حرف‌ها، "چپ‌های تهی‌مغز، این‌مارکسیست - لنینیست‌های دروغ‌بین که حاداً قائل زیباترینان رشد

ایپورتونیسیم راست جنبش کمونیستی است، برچسب ایپورتونیسیم راست به ما نمی‌زنند؟ آیا فریاد بر نمی‌آورند که واشریعتاً! پس صف مستقل و سیاست مستقل ما کجا رفت؟ چرا!! چپ‌های تهی‌مغز همیشه تحت پوشش صف مستقل، واقعاً مستقل از طبقه کارگر، مستقل از توده‌های زحمتکش، صف خود را به پیش می‌برند! آنها سعی می‌کنند بر اساس تحلیل‌های مستقل از واقعیات، نه تحلیل‌های منکی بر انبوه واقعیات در حال تحول، سیاست‌های خود را تنظیم کنند، از نقطه نظر آنان واقعیات حقیرتر از آن است که حضرات بدان توجه کنند!

ممکن است از ما بپرسند شما چگونه می‌خواهید طبقه کارگر و زحمتکشان روستا را در کارخانه و مزارع بر علیه سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ بسیج کنید؟ مگر می‌شود هم تولید را گسترش داد، هم بر علیه سرمایه‌داران و زمینداران مبارزه کرد؟ مگر می‌شود هم با آیت‌الله خمینی و بنی‌صدر همکاری کرد و هم دوشادوش پاسداران علیه پالیزیان‌ها جنگید و هم توده‌ها را بسیج و متشکل کرد؟ آخر "چپ‌ها" همیشه عاجزتر از آن هستند که بتوانند پیچیدگی مبارزه طبقاتی، قانونمندی‌های سازماندهی مبارزه طبقاتی و سیاست‌های پیچیده پرولتاریائی را درک کنند. آنها نمی‌فهمند که پرولتاریا اگر تولید را افزایش می‌دهد، اگر در کردستان با پالیزیان، اوپسی با آیدای امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق می‌جنگد بخاطر

بدون شرح:



ارگان سراسری سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۹
سال دوم - شماره ۷۰ - صفحه ۱۰

ما چنین اعتقادی نداریم و فکر می‌کنیم سیاست مسلط دز حزب جمهوری اسلامی و "خط امام" تضادهای ریشه‌ای (تاریخی - طبقاتی) ندارد. این جریان حمایت بخش عمده‌ای از روحانیون پیرو آیت‌الله خمینی را به دست آورده است. این جریان فراکسیون بسیار نیرومندی را در مجلس شورا تشکیل داده است و مهار آن را بطور کامل در دست گرفته است. سیاست غالب بر مجلس نه با سیاستهای مورد تأیید آیت‌الله خمینی: تضاد قابل ملاحظه‌ای دارد نه با سیاستهای مورد تأیید حزب جمهوری اسلامی. هم اکنون قوه مقننه و قوه قضائیه تقریباً بطور درست در اختیار جریانهای پیرو "خط امام" قرار گرفته است. ارگان‌های انتظامی، دستگاه آموزش، رسانه‌های گروهی تقریباً بطور کامل در تصرف این جریان‌هاست و هم اکنون تعرض وسیع تسخیر تمام ارگان‌های اجرائی چه در مجلس و چه در بیابان وزارتخانه‌ها جریان دارند.

تفاوت‌های بهشتی و رفسنجانی با بنی صدر و سحابی و برخورد با سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

چهارشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۹
سال دوم - شماره ۷۰ - صفحه ۱۲

ارگان سراسری سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران (اکثریت)



حال یکبار دیگر کلام کودکانه این رفقای چپ رو را بخوانید تا دریابید چگونه آنها چشم خود را روی تمام واقعیات بسته‌اند و چگونه خیال می‌کنند بهشتی و رفسنجانی همان بنی‌صدر و سحابی و این دو همان بازرگان و نزیه و همگی از قماش امیرانتظام‌ها هستند؟! ثالثاً: رفقای اقلیت لجبازی می‌کنند. آنها نمی‌خواهند باور کنند که مبارزه طبقاتی طی یکسال و نیم گذشته بخش عمده‌ای از جریان لیبرالی درون حکومت را به زیر کشیده است. چرا یک مشت اسامی را ردیف کرده‌اند که برخی در راس قدرت قرار دارند، برخی در راه کسب بیشتر آن تلاش می‌کنند، برخی سقراط کرده‌اند و بقیه تحت تعقیب قرار گرفته‌اند! مارکسیست‌ها برای اثبات دعاوی نظری خویش بجای ترویج آشفته‌فکری پیرامون وضعیت جریان‌های حاکم به مشخص کردن موضع هر یک از آن جریانها بطور کاملاً دقیق و مسئولانه و از آن مهم‌تر سمت تحول کوتاه مدت و درازمدت تعادل قوای آن جریانها می‌پردازند. مارکسیست‌ها وضعیت هندی‌ها

دعوت به مشارکت در جهاد سازندگی توسط پیشگام اکثریت

مردم مبارز کرج!

بنا به دعوت **جهاد سازندگی کرج** مبنی بر درخواست کمک در برداشت محصول کشاورزان منطقه، ما از کلیه کارگران، زحمتکشان، دانشجویان، دانشآموزان و... می‌خواهیم که با تمام توان خود در این کار انقلابی شرکت کرده و گامی در جهت خودکفائی هرچه بیشتر در زمینه کشاورزی و پیوند هرچه عمیق‌تر وحدت صفوف مردم بر علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکای جنایتکار و گسترش همکاری نیروهای ضدامپریالیست بردارند.

حرکت: هم‌روزه ۵ صبح

اول بولوار طالقانی (کوروش سابق) **پیشگام کرج**

۵ / مرداد / ۱۳۵۹

تفکیک دو بخش از حاکمیت و شروع حمله به یک جناح در قبال
نزدیکی و چسبیدن به جناح دیگر

هنوز از دورانی که مهدی بازرگان "نخستوزیر محبوب ایران" در صفحه تلویزیون ظاهر می شد و با چوبزبانی به توجیه سیاست های انقلاب برآمده " خود و شرکایش می پرداخت. حتی از ۹ ماه نمی گذرد.

آن روزها نیروهای انقلابی و پیشاپیش آنها انقلابیون کمونیست که بحق در برابر سیاست های ضدکارگری و ضد انقلابی دولت بازرگان دست به افشاکاری وسیع زده و برده از چهره بازرگان و شرکا برمی داشتند. آماج حملات و تهمت های ناروای کسانی بودند که خود آنها امروز دولت بازرگان و سیاست های این دولت را به زبان انقلاب و در خط امریکا می دانند.

انقلابیون کمونیست و حتی از همه سازمان ها همواره تجدید تلاش ارتش به شیوه سابق. تلاش در حفظ وابستگی به امپریالیسم جهانی. تحقیر انقلاب شکوهمند ایران برای جلوگیری از ادامه آن و جلوگیری از دست یافتن به سبب حمایت سازمانداران و دشمنی با کارگران را که از ویژگی های دولت بازرگان بود. آتش می ساختند و دست به همه دکل بود که تا امروز حلقه بازرگان، امیران نظام جاسوس، فاشیست و دیگر شرکای بازرگان از یک طرف و از طرف دیگر مورد حملات و اتهامات گوناگون از جانب روحانیت صدامپریالیست بودیم که هنوز دولت بازرگان را انقلابی می دانست و افشاکاری های ما را نادرست می پنداشت.

در آن زمان هنوز بسیاری نمی پذیرفتند که سیاست های بازرگان مبروری به جای کار و سکن، بیگاری و گران و بحران سکن را تشدید خواهد کرد و کارگران و زحمتکشان میهن ما را زیر فشار هرچه بیشتر فرار خواهد داد.

اما امروز که نتیجه سیاست های دولت موقت به صورت گران کمترین، بیگاری صدها هزار نیروی فعال کارگر و روشنفکر، بحران سکن، تقویت شبکه های ضد انقلاب، حفظ ارتش و تقویت جبهه سرمایه داران، برگرداندن میلیون ها مردم میهن ما فشار می آورد. بسیاری از مدافعان دوبرین بازرگان و شرکا با پذیرش این که مفلکند دولت بازرگان به زبان انقلاب، به

زبان خلق و در خط امریکا بوده است. عملاً بر حقانیت انقلابیون کمونیست اعتراف دارند. اما با این همه هنوز کینه توزانه به اتهام و تهمت پراکنی و جعل حقایق علیه انقلابیون کمونیست. این سرخترین دشمنان امپریالیسم و بهترین و فداکارترین مدافعان کارگران و زحمتکشان ادامه می دهند. هنوز در برنو سیاستی که

نوشته است: "من هر روزی که از این انقلاب می گذرد، بیشتر توجه به این معنی پیدا می کنم که ملت ما انقلابی عمل کردند و ما نکردیم. ما با مقصود یا قاصر و در هر دو جهت در پیشگاه ملت جواب باید بدهیم. مردم همانطور که می دانند، ریختند در خیابان ها و این جرئت به فراد را بیرون کردند و به پیروزی نسبی رسیدند. وقتی که امر

بازرگان توطئه های جنایتکارانه امپریالیسم امریکارا «توطئه فرضی» می خوانند

آزادی های سیاسی را محدود ساخته. جاسوس و جعل حقایق را بر روزنامه ها اعمال کرده. حقوق ملی خلق کرد و سایر خلق ها را به هیره سازی دیگر از حقوق دمکراتیک تودماغا باطل ساخته و می سازد. بازرگان و شرکا فرصت می یابند این توهم را در بخش هایی از تودماغا دامن زدن که کاپیتالها، این دوستان وفادار امپریالیسم چندرگاهکار هستند و حتی این دوستان و جاسوسان امپریالیسم می توانند مشکل گشای دشواری های ما باشند که امپریالیسم موجود آورده آن است.

بازرگان پس از مدتی سگوب اخیراً فرصت را غنیمت شمرده و با آگاهی از نارماینی های که دولت فراهم ساخته است. یاردیگر تلاش دارد در چهارمی "طی" و با بهره برداری از سیاست های گوسنی حکومت جمهوری اسلامی. مردم را به سیاست های ضد مردمی لبرالها جلب کند.

آخری آیت الله خمینی در نطق ۲۹ تیرماه خود صریحاً اعتراف کردند که انتخاب اعضای دولت موقت برخط واقع شد و آنها انقلابی نبودند. آیت الله مشکینی نیز با صراحت به دولت موقت حمله کرد و خواستار آن شد که اعضای دولت موقت محاکمه شوند.

آیت الله خمینی در سخنرانی ۲۹ تیر چنین گفت:

مقابل خواهان برقراری روابط اقتصادی و سیاسی حقوق هستیم. بازرگان و شرکا. همواره زیر همین شعار عدم دخالت آنها در امور و رعایت حقوق متقابل کوشیده اند روابط ایران را با امپریالیسم امریکا که هرگز نمی تواند بر اساس عدالت و حقوق متقابل باشد. حفظ کنند. بازرگان و شرکا در گذشته همواره در زمان دولت موقت همواره می کوشیدند این توهم را در آرزو شده ایجاد کنند که می توان با امپریالیسم امریکا این بزرگترین نیروهای غارتگر جهان و این خطرناکترین دشمن خلق های ایران بر اساس عدالت روابط برقرار کرد. آنها غافل از آن بوده هستند که مردم ما به یاد دارند که رژیم شاه سیر همواره سلطه امپریالیسم امریکا را زیر پوشش عدم دخالت در امور بگذرد و روابط متقابل "توجه می کرد می دانند که هرگز میان گرگ و میش نمی تواند. دوستی و روابط متقابل باشد و اما در مورد آزادی و حقوق کلیه افراد و گروهها در حدود قانون، باید خاطر نشان سازیم که تا آنجا که به حقوق کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی مدافع آنها باز می گردد، بازرگان و شرکا از بزرگترین دشمنان آن هستند. بازرگان همواره با شورای کارگران و دهقانان، با هرگونه

گمسته یاد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

بدون شرح :

اطلاعیه هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) - بهشهر

عمل ضد دمکراتیک

دادگاه انقلاب اسلامی بهشهر را محکوم می‌کنیم.

در شرایطی که وحدت نیروهای ضدامپریالیست، هرچه بیشتر ضرورت تاریخی دارد، دادگاه انقلاب اسلامی بهشهر طی یک محاکمه غیابی و غیر علنی یک هوادار سازمان را به جرم فروش نشریه "کسار" محکوم به ۵۰ ضربه شلاق نمود و حکم در روز جمعه در صف نمازگزاران اجرا شد.
ما این عمل را درجهت تضعیف مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران دانسته و قویاً آن را محکوم می‌کنیم.

هواداران سازمان جریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) - بهشهر

زیگزاگ زدن در برابر اعمال رژیم: جالب اینجاست که این جماعت متوهم در روشنائی روز با چراغ دنبال ادله می‌گردند تا نشان دهند این رژیم ضد امپریالیست و دمکرات است و بعضی وقتها بعضی عناصر مشکوک از دستشان در می‌رود و کاری انجام می‌دهند که به جمهوریت نظام و دمکرات بودن آن آسیب می‌رسانند و بعضی وقتها ما را می‌کشانند. در حالی که حاکمیت کوچکترین توهمی در رابطه با سر کوب نداشت و ندارد حتی سرکوب متحدین و سگان وفادار خود

چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۵۹
سال دوم - شماره ۷۲ - صفحه ۱۸

ارگان سراسری سازمان جریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)



اعدام انقلابیون کمونیست، لکه‌نگی بردامن جمهوری اسلامی

فرد بدهید .
 حکومت جمهوری اسلامی
 ایران با درپیش گرفتن
 سیاست کینه‌توزانه نسبت به
 انقلابیون کمونیست ، تاکنون
 خون بسیاری از فدائیان خلق
 را به زمین ریخته است .
 اکنون هفته‌ای نیست که در
 گوشه‌ای از میهن ما ، در
 اهواز ، در گنبد ، در کرمان
 و ... قلب پرتپش رفیقی
 آماج گلوله‌های جمهوری
 اسلامی قرار نگیرد . اکنون
 هفته‌ای نیست که زحمتکشان
 ایران در سوگ یکی از
 فرزندان انقلابی خود
 ننشینند . دیروز توماچ و
 نریمسا ، امروز "حالی" و
 "قل" و فردا ؟
 رژیم جمهوری اسلامی
 ایران خود می‌داند که
 درپیش گرفتن چنین
 سیاست‌هایی جز دامن‌زدن
 به خشم و اعتراض مردم
 ثمره دیگری در پی نخواهد
 داشت و از همین‌رو می‌کوشد

که ماهیت واقعی چنین
 جنایاتی و علت‌های واقعی
 این‌گونه اعدام‌ها را از
 توده‌های مردم پنهان سازد ،
 آنها با محاکمه انقلابیون در
 کنار قاچاقچیان حرفه‌ای و
 مزدوران وابسته به
 امپریالیسم در پی تحریف
 واقعیات مربوط به اعدام‌های
 جنایتکارانه انقلابیون - که
 اینک در سراسر میهن به
 انجام می‌رسانند - می‌باشند .
 اعدام انقلابیون کمونیست
 هرچند ضربات دردناکی بر
 مبارزات خلق وارد می‌سازد ،
 هرچند تنها و تنها به سود
 امپریالیسم جهانی تمام
 می‌شود ، اما بدون شک هرگز
 قادر نخواهد بود حقانیت
 تاریخی آرمان‌های آنان را که
 همان آرمان کارگران و
 زحمتکشان می‌باشد ، با
 شکست مواجه سازد .

کوبیدن بر طبل جنگ تحت عنوان دفاع از میهن انقلابی !!! زیر
 بلیط سپاه و بسیج و ساختن استالینگراد در سراسر ایران
 تحت رهبری فرماندهان سپاه

تسلیم هرگز، دفاع تا پای جان

ما فدائیان خلق، استوار بر میثاقی خونینی که با خلق خود بسته‌ایم بر سنگفرش خیابان‌ها و کوچه‌ها و در سنگرهای مقدم دفاع تا آخرین نقر، خون سرخ خویش را نثار رهایی میهن خواهیم کرد

"وقتی که یک جنگ انقلابی واقعاً کارگران و ستم‌دیدگان را به خود جذب و علاقمند سازد و آنها را آگاه کند که علیه استثمارگران می‌جنگند، چنین جنگ انقلابی قدرت و توانایی بی‌مرجوع آوردن معجزه را دارد."

بگذار گرجستان سر دروازه‌های شهر روزه سر دهند. دست‌های توانمندی خلقمان در هلبله فریادزنان و مردان شهرهای خوزستان و غرب میهن معجزه پیروزی رهایی خواهد آفرید.

... و ما فدائیان خلق، استوار بر میثاق خونینی که با خلق خود بسته‌ایم، سر سنگرش خیابان‌ها و کوچه‌ها و در سنگرهای مقدم دفاع، تا آخرین نقر خون سرخ خویش را نثار رهایی میهن خواهیم کرد. اکنون این پیام هر لدائی است!

- تسلیم؟ هرگز، دفاع تا پای جان.
آری، بگذار گرجستان سر دروازه‌های شهرها روزه سردهند، لیکن:

همانگونه که کارون بر خروش جاری است،
همانگونه که زاگرس مغرور سر به آسمان‌ها می‌ساید،
بیگار خلقمان بی‌درنگ
بیگار خلقمان پر شتاب
آدابه خواهد یافت
و تو، میهنم، ایرانم، تا کارون جاری است،
تا زاگرس برجاست
برجای باش!
اکنون چشمان منظر تمامی کشورهای دوست،
اکنون دیدگان پر فروغ نیروی "کار جهان"
چشم برآه پیروزی ما است
با دستی در رفتن جنبش مقاومت
دست دیگر مشعل رهایی خلق
در هر گوشه میهن
هر شهر و ده
"استالینگرادی" دیگر بجا کتیم.

فشار بر کارگران برای تولید بیشتر و انبوه تر جهت شعله ور نگه داشتن آتش جنگ میهنی

“تحت هیچ شرایطی کارخانه را تعطیل نمی‌کنیم!”

کارخانه شیخه و گاز در تمام مدت ۲۴ ساعت کار می‌کند. با شروع جنگ تحمیلی، کارگران در دو شیفت ۱۱ ساعته و ۱۳ ساعته و در شرایطی که همه هواکش‌ها و منافذ سالن‌های کار، به‌خاطر جلوگیری از تابیدن نور باید مسدود باشند، به کار طاقت‌فرسای شبانه‌روزی در فضای خفه و داغ در کنار کوره‌ها به کار می‌پردازند.

این واحد صنعتی که در حوالی فرودگاه مهرآباد قرار دارد، موقعیت مکانی اش، دستاویزی برای عناصر ضد انقلابی لبرال (وابستگان به حزب لیبرالی خلق مسلمان) فراهم آورده است تا با تبلیغات سوء و تحریکات ضدانقلابی همچنین موعوب کردن کارگران از خطر حملات

هوایی دشمن، کارخانه را تعطیل نمایند. ولی شورای کارخانه با درک آگاهانه از وظایف انقلابی خود و با توجه به موقعیت خطیر کنونی در مجمع عمومی کارگران، نتایج مخرب تعطیلی کارخانه و لزوم تداوم تولید را برای کارگران تشریح کرد. شورا تاکید نمود که در صورت سرد شدن کوره‌های کارخانه، راه‌اندازی مجدد آنها به ۸ ماه وقت نیاز دارد، که با توجه به احتیاج جامعه به کالاهای ضروری، تعطیل کارخانه خلاف مصالح مردم و انقلاب ایران است و علاوه بر آن بیگاری کارگران را نیز به دنبال خواهد داشت.

کارگران مبارز کارخانه با تأیید نظرات شورا، حمایت فاطمانه خود را از شورا و لزوم تداوم تولید اعلام کردند و در ضمن حقوق دو روز خود را همراه با تعداد زیادی پتو و پوشاک برای هم‌میستان جنگ‌زده به جنوب ارسال داشتند. یکی از کارگران می‌گفت که: ما مانند کارگران رزمنده آبادان از سپهن و انقلاب خود دفاع می‌کنیم. ما با تحمل سختی کار احساس می‌کنیم که به مردم سازز خرمشهر نزدیک‌تریم. این فداکاری و تحمل انقلابی سخت‌ترین شرایط کار به‌انگیز رشد آگاهی، هشیاری و انقلابی و درگ مسئولانه همی طبقه کارگر قهرمان سپهن‌ماست.

کما شایسته است که این درگ مسئولانه انقلابی، سرشق همه کارگران و زحماتشان سپهن‌ما قرار گیرد.

بدون شرح



نمایش مذبحخانه لیبرال‌ها

برای پیشبرد خط‌سازش با امپریالیسم

همه کسانی که تصمیم گرفتند جمهوری اسلامی را ارتجاعی، ضد خلقی، وابسته، فاشیستی و ارگان سازش بدانند، برای اثبات تئوری‌های ضد علمی و ورشکسته‌شان چاره‌ای ندارند جز آنکه چشم و گوش خود را بر همه واقعیت‌ها ببندند و همان‌طور که در گذشته تسخیر سفارت را توطئه دانستند و آن را محکوم کردند، همان‌گونه که یشتیانی از سیاست‌های ضد امپریالستی حکومت جمهوری اسلامی را سازشکاری خواندند و محکوم کردند، همان‌گونه که امکان کودتای امریکائی علیه جمهوری اسلامی را منتفی می‌دانستند و می‌گفتند چاقو دست‌اش را نمی‌برد، و همه کسانی که شعار "مرگ بر ارتجاع" را بجای مرگ بر امریکا تکرار می‌کنند، حالا هم بدون هیچگونه ارزیابی از وضعیت کنونی، هر تصمیمی را که از جانب حکومت جمهوری اسلامی برای تعیین تکلیف گروگان‌ها اتخاذ شود، حتی اگر منطقی‌ترین و درست‌ترین تصمیمات هم که باشد، قطعا آن را بعنوان "سازش" و "توطئه" و "دروغ" و "فریب‌توده‌ها" محکوم خواهند کرد.

بیچاره جهان بینی و پرولتاریا و بشریت ترقی خواه که مورد سوء استفاده این جمع قرار گرفته

۳- سیاست پشتیبانی قاطع از جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام، سیاستی منکی بر جهان بینی و منافع پرولتاریاست.

صحت این سیاست نه تنها با پراتیک میلیونی خلق ما در شرایط کنونی بلکه با پراتیک بشریت ترقیخواه در تاریخ معاصر تضمین شده است. ما مطالعه دقیق تر مارکسیسم-لنینیسم و تجارب جنبش‌های رهائی بخش را به شما توصیه می‌کنیم.

۴- زودتر، انحرافات حزب، است و تصدیر.

با همان شیوه شارلاتانیزم که با فغان و بیداد و فحش و ناسزا تلاش شد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را بعنوان نمادی از رژیم ضد امپریالیستی به خورد هواداران خود (اکثریت) بدهند. به همان سبک و سیاق تلاش کردند در جهت سرنگونی رژیم شعار بدهند و دوشادوشی و هم آغوشی خود را با این رژیم به فراموشی بسپارند.

کارگران همه کشورها متحد شوید!

گرامی باد ۲۲ بهمن			گرامی باد ۱۹ بهمن
اول بهمن ماه ۱۳۶۴ - ۱۶ صفحه - ۴۰ ریال		ارگان کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)	دوره دوم - سال سوم - شماره ۴۴

روی صفحه شطرنج ریگان

را شکست، اما پس از اینکه سران خائن جمهوری اسلامی این انقلاب را شکستند، مقدم ترین شرط جلب رژیم خمینی به محور مذکور فراهم شد. تنها یک سؤال باقی ماند، از کجا؟

تکیه روی سیاست خائنانه و فدملی و جنایتکارانه خمینی برای ادامه جنگ با عراق و تکیه روی سیاست عمیقاً ارتجاعی و فدا انقلابی خمینی نسبت به افغانستان موثرترین و عملی ترین راه برای احیای هر چه سربرخاسته از این محور است.

صفحه ۲ کار شماره ۲۴ پیام اکثریت بمناسبت ۱۵ سالگرد و قیام بهمن ۵۷

رفقا!

ما در زمانی کوتاه راهی طولانی و بس دشوار را پیروز شده‌ایم. در ادامه این راه و تساهل پیروزی قطعی کارگران و رنجبران کشورمان وظایف با زحم سنگین تری بر عهده ما است. امروز نیروهای انقلابی ایران در شرایطی وظایف خود را انجام می‌دهند که سیاه‌ترین رژیم سرور و اختناق بر کشور ما به افکنده است. انجام وظیفه در چنین شرایطی از ما هوشیاری، شکیبایی، پیگیری و جانشانی هر چه بیشتری می‌طلبد. آخریست شهیدان ما، شایان‌ها، شیرازی‌ها، سنتی‌ها، سنجینی‌ها، شهدایان ما، صفایی‌ها و پویان‌ها بی‌فکند استوارتر ساخته‌اند و راه پیروزی و سرافرازی را دیگر با ربا جانشانی خود تجسم بخشیدند. فدایان خلق سنت شکوه‌مند رهبان و همزمان شهید خود را پای می‌دارند و شکوفایی سازند و در پرستو ایمان و عشق آتشین به آرمان‌های والای خویش، طبقه کارگر و توده‌های میلیونی کشور را به سوی پیروزی راه‌ها می‌گردند.

فرخنده با دها نژدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) جاودان با دخاله تا بشاک فداییان شهید برافراشته با دیرچم رزم کارگران و رنجبران ایران پیروز با دمبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

کار اکثریت شماره ۲

رژیم با انتصاب مجدد خائنه‌های بهر با ست جمهوری با تلاش بیشتر برای "یکدست" کردن کابینه و فساد دادن بهران درون هیات حاکمه، سرافراجه بسا گزینش منتظری بعنوان ولیعهد خمینی، کوشیده است تا به اصطلاح "ثبات" و "بقا" رژیم منحط جمهوری اسلامی را در برابر اعتراض و مبارزه رو به رشد شما تا مین کند. اما این تدابیر راه به جایی نخواهد بود. رژیم خمینی آینده‌ای ندارد. اکنون همه چیز به رشد و گسترش مبارزه شما وابسته است.

همان شماره ص ۲

مردم ایران! برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک ایران به سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) پیوندید

پلنوم وسیع مهرماه ۵۸، پیروزی بزرگ سازمان در راستای تکامل آن به سازمان پیشاهنگ طبقه کارگر ایران بود. در این پلنوم، شما لایم لیشینی دربارۀ "رابطه توده و پیشرو" و ساختار و وظایف سازمان سیاسی پیشاهنگ طبقه کارگر و اساس لایم آن با درکسی تعمیق یافته مورد تاکید قرار گرفت. این پلنوم پیروزی بزرگ برای طبقه کارگر ایران محسوب می شود.

اجرای رهنمودها و دستاوردهای نظری پلنوم میسر ماه ۵۸، راه را برای پیوند فداپیمان خلق با مبارزات توده ها هموارتر ساخت. فعالیت سازمانی با انسجام و نیرومندی بیشتری در میان کارگران و زحمتکشان گسترش یافت.

سازمان با افشای بی ایمان ما هیت و مقام صادراتی توطئه های امپریالیستیا و سوپوزۀ امپریالیسم آمریکا، مردم را به مبارزه برای پایان دادن به وابستگی و مناسبات استعماری کشور با امپریالیسم و خنثی کردن توطئه های آن فرامی خواند. سازمان همه نیروی خود را در بردن شعارهای تحولات بنیادین اقتصادی - اجتماعی به میان توده های وسیع مردم سازماندهی و هدایت مبارزه آنشان در راه دستیابی به این خواسته ها بکار گرفت. فداپیمان

و اما ادامه می دهیم آنهم بدون شرح:



باشکرت در تظاهرات روز سه شنبه

★ دومین سالگرد ۱۳ آبان روز دانش آموزان

★ اولین سالگرد تسخیر مرکز جاسوسی امپریالیسم آمریکا را گرامی بدریم و

**اتحاد خود را در برابر امپریالیسم آمریکا و رژیم
جنایتکار و تجاوزگر صدام حسین مستحکمتر سازیم**

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

شماره ۱۱ آبان ماه ۱۳۵۹

عاشورا، روز وحدت رویونیستها با امام حسین (فدائیان اکثریت شاخه کربلا)

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



مرگ بر امپریالیسم
امریکا
دشمن اصلی خلقها

عاشورا، روز پیکار با ستمگران

پیکار علیه ستمگران مضمون اصلی و همیشه جاری تاریخ بشری است.

عاشورا، روز پیکار حسین و یاران او با ستمگرانی است که برای تحکیم سلطه جابرانه خود شمشیر برگسانی کشیدند که در برابر جور و ظلم آنان فریاد آزادی و حق طلبی برگشیدند.

حسین و یارانش در پیکار علیه جباران، به خون نشستند اما پیام آنان در تاریخ برجای ماند.

... و امروز که با نیروهای باطل دوران، امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا در پیگاریم، عاشورای حسینی را بزرگ می‌داریم و با ایمان به پیروزی خود، سنگرهای دشمنان انقلاب را یکی پس از دیگری درهم می‌کوبیم.

بعد از حضور در مراسم عزاداری حسینی برادران اکثریتی از زندان تقاضای حضور در جبهه‌ها را دارند درست به همان سبکی که بعدها توابعین مطرح کردند کفاره گناه ما سنگر شدن در جبهه‌ها اینان بعنوان پیشگامان توابعین زودتر می‌خواستند سنگرشوند

نامه سرگشاده هواداران از زندان اوین

نزدیک به دو سال از انقلاب شکوهمند ما می‌گذرد. در این مدت امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن از هیچ اقدامی برای شکست انقلاب مردم ما فروگذار نگردانند.

در شرایطی که میهن ما مورد تجاوز رژیم متجاوز فاشیستی عراق قرار گرفته است، در شرایطی که امپریالیسم آمریکا توطئه‌های ننگین و جنایتکارانه‌اش را بر خلقهای ایران و عراق تحمیل کرده است، در شرایطی که رژیم‌های ارتجاعی منطقه با امپریالیسم آمریکا در صف واحدی قرار گرفته‌اند و جنگ علیه مردم ستکس میهن ما را با تمام قوا گسترش داده‌اند، در شرایطی که همه رفقای فدائی همراه با توده‌های میلیونی مردم دز صف مقدم جبهه قرار دارند و از انقلاب و استقلال و آزادی میهن دفاع می‌کنند ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) که در زندان اوین بسر می‌بریم، قلممان برای مبارزه در جبهه‌های مقدم نبرد با تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام می‌طیبد.

ما ایمان راسخ داریم که عزم مردم و انقلابیون و وحدت خلق در راه دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن، توطئه‌های امپریالیسم جهانی و تجاوزات رژیم‌های ارتجاعی منطقه را درهم شکسته و صلح و استقلال و آزادی و سوسیالیسم را برای توده‌های مردم ما تدارک دیده و نوید خواهد داد.

رونوشت: دادستان کل دادگاه‌های انقلاب ایران
دادستان دادگاه‌های انقلاب تهران

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
زندان اوین - ۲۴ آبان ۵۹

مقابله با معلمان اخراجی و همسنگری با نیروهای رژیم

چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۳۵۹
سال دوم - شماره ۸۹ - صفحه ۱۶

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)



«مکتبی کردن»، آموزش و پرورش را از هزاران معلم ترقیخواه و مبارز

محروم ساخته است (قسمت آخر)

برداشتند .
 ۱ در آغاز کار معلمان هوادار
 ۲ انقلاب همکاری با آنان را
 ۳ پذیرفتند و به آنان اجازه
 ۴ دادند که در هیئت نمایندگی
 ۵ معلمان اخراجی نماینده
 ۶ داشته باشند نتیجه این
 ۷ همکاری آن شد که در برخورد
 ۸ با مسئولین دولتی ، آنچه را
 ۹ که در اثر مساعی مشترک
 ۱۰ معلمان متعهد رشته شده بود
 ۱۱ به وسیله نمایندگان این
 ۱۲ جریانات پنبه شود . بنا بر
 ۱۳ این معلمان مسئول راه خود
 ۱۴ را جدا کردند و در مهر ماه
 ۱۵ بناچار مجموعه معلمان
 ۱۶ هوادار راهکارگر ، اقلیت ،
 ۱۷ بیگار و شرکا* بلوک جدائی را
 ۱۸ تشکیل دادند و با مشی
 ۱۹ افشای مسئولین در هر موضعی
 ۲۰ که باشند - و به قول معلمان
 ۲۱ " عمده کردن ریش و سبیل"
 ۲۲ و " فحش و فضاحت " به
 ۲۳ اکثریت وارد کارزار شدند .

مقدم ترین آموزش تجارب
 اخیر مویذ آن است که معلمان
 متعهد و آگاه اخراجی می باید
 صف خود را از بیگار و شرکا* ،
 گروه اقلیت و امثالهم جدا
 کنند و با هیچیک از عناصر
 پیرو " راهکارگر " تا زمانی که
 سیاست غلط کنونی خود را
 کنار نگذاشتند و سیاست
 معلمان متعهد را نپذیرفته اند
 یکی نشوند .

ادامه دارد.....